



خانه قلم ها پیوندها



روزانه ها ...



از نگاه فریدون ایل بیگی / سیاسی

نگاهی به "میثاق بنی صدر" برای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" و گذشته بی افتخار او

۲۰ سال در حبس و شکنجه

سال سوم، شماره ۹۸
دو شنبه ۲ شهریور
۱۳۶۰

رهائی

ویژه مبارزات توده‌ای

توضیحا بگویم :

قصد من ، نشر نوشته های فریدون است و نه « تبلیغ » برای این و آن سازمان و تشکیلاتی - که سالیها سالست که وجود خارجی ندارند و گناه من نیست که نوشته های فریدون در این نشریات آمده اند ؛ او به راه خود می رفت و منم به راه خودم و همیشه و در همه موارد با هم موافق نبودیم .

به نظرم ، هنوز هم ، امروز ، خواندن نوشته هایش عبرت انگیزست و قابل استفاده .

آراد (م) ایل بیگی

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

نگاهی به 'میثاق' بنی صدر

برای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی

و گذشته بی افتخار او

۱

بنی صدر ، پس از اینکه ریاست آن خود را خداحافظی کرد ، به گرجا کتبت ، بر سر تسمیم "عادلانه" می گذارند ، اما شکست مواجه شد ، پس از اینکه بدستور جمهوری از توطئه های کل نو و ریاست جمهوری عزل شد و "آردان سی ساله" (۱) خود را بر سر داد رفت ، در ۲۳ تیر ۶۰ ، از صحنه خود دور شدند ، "میثاق" تشکیل شورای ملی مقاومت بسیاری استقلال و آزادی جمهوری اسلامی ایران را صادر کرد .

همانطوریکه در سال ۶۵ ، خمینی با نشان دادن دریا نمایی میزبانی ، با دروغ باقی ماند ، (و "خامن" فریب ها ، از تمام نیروهای سیاسی و از اقشار و طبقات جامعه درخواست کسه "عه باهم" بیا " وحدت کلمه" ، برای سرنگونی رژیم حاکم بر جمهوری قیام کنند (این غیبت مزگه نه تنها از هرگونه حمله به کمونیست ها و نیروهای ترقی دگر حسود آری میکسرد بلکه آزادی همه گونه فعالیتها ی سیاسی را بسته آنها بده مهادت) ، تا صرفه رژیم حاکم بر ولایت قضیه را برنگردانند ، اما بود ؟ امروز نیز رژیم جمهوری محظوظ جمهوری اسلامی از همه ی گروهها و احزاب سیاسی و دشمنان و افسراد" میضا هددگ " برغم همه ی خطر ها میل (۲) در این کوشش بزرگ (استقرار رژیم جمهوری اسلامی

در سعادت دیگر :

- فرودن ناوجهی نیزین : آخرین دسته گل " ارتش مقدس"
- فرار یک رفیق کمونیست از زندان کتبت مرکزی مشهد
- اخسار

رهائگی

شماره ۹۸

صفحه ۲

نگاهی به ...

(تا قبل از اینکه پایه های تخت فرماندهی و ریاستش بلرزه درآید) و در گلهی جنایات رژیم صهییم و شریک بود و حتی در موارد بسیار بطوری که خواهیم دید، از طراحان و مجریان آپسین جنایات بشمار میرفت. بنی صدر نرسیده یک به یکسال پیش (۱۷ شهریور ۵۹) صدالیه نهضت طر توده ها بلکه بدلیل جاه طلبی و حفظ قدرت بفر د طاع از آزاد بها و افشا شکویه زندانهای غرقانی و مقاومت در مقابل حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و از دو طه پیش، بنا به تصاحب زتن، بفر مبارزه با بزرگ مرتجع، آیت الله خمینی افتاد. بنی صدر نوزده ماه اول استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی و هیچگاه به ماهیت سر کوبهای جنایتکارانهی رژیم اعتراض نکرد قسط گاهی، اینجا و آنجا، عدم موافقت خود را با شیوهی این سرکوبها اعلام میداشت. مگر فراموش کرد ایم که او در مورد کشتار وحشیانهی جبارتن از همبران خلق ترکمن توسط سپاه پاسداران، پس از ابراد اتهامات و بیحاشنه به آنها و به زحمتگان ترکمن چه گفت:

" منم اگر قاضی بودم این چهار نفر را به اعدام محکوم میکردم".

بنی صدر در میثاق (مانند جریان انتخاب ریاست جمهوری) همه چیز را به همه کس و همه میدهند ولی از آنداشی که در وقت کم حاضره است و با آنچنان وقیح است که نمیتواند و نمیتواند به خاطر بیابود که قبل از این دو طریع، چه گفته و چه نینته است و عملکردهای ضد انقلابی (و نه انقلاب اسلامی) او در این دوره (دورهی خیسز برداشتن طرف قدرت و دورهی اوج افتاد) تط ما مغایر با این ادعاهاست. بنی صدر بخاطر عصمت بزرگویی و پرت ویلانی و عملکرد ضسد انقلابی اثره آنچندین مع خود را باز کرده است که امروز مشکل بنیانه فرصت طلبانه با ادعاهای دروغین و سر مبارزات توده ها علیه رژیم جلال جمهوری اسلامی خمینی را بسوی ناگنا آید جمهوری اسلامی دیگری، منحرف کند.

بنی صدر و یاد وی سابق ولایت فقیه و یکی از اضلاع "ملت بنی" که در پایه گذاری رژیم مغفور خمینی نقش اساسی داشت امروز که با اشارهی فقیه از صحنه خارج شده است، در "میثاق" خود، از "استبداد فقیه"، استبداد رای آقای خمینی، ولایت استبدادی تمام میبود. مادومقالهی حاضر با تگاهی به "میثاق بنی" صدر "برای استقلال و آزادی، جمهوری اسلامی" به اختصار به گذشتهی بی افتخار او نیز نظری خواهیم انداخت.

استقلال

" قطع وابستگی" و "استقلال" از جمله مفاهیمی است که در هر صفحهی "میثاق" و غالباً چند بار تکرار میشود. اما واژهی "امپریالیسم"

چه در میثاق و چه در نوشته ها و سخنرانیهای دو سال ونیم اخیر او و واژهی ناشناخته با فراموش شده است و بجای آن از "نه شرقی نه غربی" و با "دو ابر قدرت روسیه و آمریکا" استفاده میکند.

بنا به اینکه بنی صدر در چه دوره ای از مسام فریبی و فرصت طلبی قرار داشته باشد، امپریالیسم مفهوم متفاوتی بخود میگیرد. قبل از قیام در کتاب "اقتصاد تومیردی" از " مبارزه علیه ابر قدرتها و در درجهی اول ابر قدرت شوروی" سوئال امپریالیست" سخن میگفت.

بعد از قیام و در جوشه پیدا شد آمریکا بسوی حاکم بر جامعه، " دو ابر قدرت آمریکا و روسیه" را در کنار هم قرار میداد. بویژه بهنگام ماجرای گروگانگیری، "از کشورها" (امپریالیست ها) ی اروپایی و ژاپنی میخواست که حساب خود را از "دولت" (امپریالیست) آمریکا جدا کنند و ایران را برای رسیدن به استقلال و قطع وابستگی، کمک کنند. او در مساحبه ای بسا خبرنگار روزنامه ای ایتالیایی "اسطیا"، "از کشورها" های اروپایی شخصاً از انگستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا، درخواست کرد که او را "مبارزی دهند" (ندای آزادی، ۵۹/۳/۲۷)

و امروزه در "میثاق" بی آنکه به "شوروی سوئال امپریالیست" یا "ابر قدرت روس" و به "کشورهای اروپایی" کاری داشته باشد، در هر صفحه چند بار به "دولت آمریکا" حمله میکند. تا جایی که خمینی و رژیم جمهوری اسلامی را بکراته بطور مستقیم و غیر مستقیم، در خدمت سیاست آمریکا میدانند که چند عبارت از آنها را نقل میکنم:

"... از نو بیاد بیاوریم و بهینم چه کسی و چه گرایشهایی ((میانج دست باسی آمریکا به هدفهایش)) را زیر پا گذاشتند و عملاً به خدمت سیاست آمریکا درآمدند. دو سال ونیم پس از استقرار رژیم جمهوری اسلامی، بنی صدر ناگهان در محفیه خود در تهران بیاد میآورد که رژیم خمینی با توافق امپریالیسم آمریکا بسر کار آمد:

" لازم بیاد آوری است که مشاوران آقای خمینی، از داخل به ایشان خاطر نشان میخواستند که رژیم شاه رفتنی است بشرط اینکه ایشان به آمریکا حمله نکنند."

و در بجای دیگری ناگهان نتیجه میشود: "خط نظام طلبی با آمریکا (با تحکیم وابستگی بسا نطاهر به مخالفت) در دورهی انقلاب حاکم شده است."

هر چند بنی صدر به واژهی "امپریالیسم" المثنائی ندارد ولی به واژهی "استقلال" شده بیاد عشق میبزند! او چه در اوج قدرت و چه در زمان برکناری از قدرت، این واژه را هرگز فراموش نکرد. اگر بنی صدر در "میثاق" از "قطع وابستگی" و "استقلال" به گئی باقی و در هم گویی اکتفا میکند ولی در اوج قدرت، تصویر روشنی از "استقلال" و "قطع وابستگی" بدست میداد: "ما روی خواستن از امپریالیستهای غرب اروپایی و

رهاگی

شماره ۹۸

صفحه ۳

ژاپنی .

آقای بنی صدر در روز قبل از مراسم تحلیف ریاست جمهوری و پسیدن دست امام است در صاحبه ای با ناراحتی و غیرتگ روزنامه ای اطلاعات در مقابل این سؤال که جمهوری اسلامی چه وقت به "قطع وابستگی" و "استقلال" خواهد رسید، جواب داد :

"... لیکن این امر زتن لازم دارد و بسا اجرا برنامه ای کار بیست ساله ای جمهوری اسلامی ایران، انشاءالله به کلیه ایمن وابستگیها پایان داده خواهد شد ."
(اطلاعات، ۱۶ بهمن ۵۸)

بدیگر سخن و زحمتگان ایران مدت بیست سال دیگر مورد استعمار امپریالیتهای "خسوس" اروپایی و ژاپنی قرار خواهند گرفت و بعد از اجرا برنامه ای کار بیست ساله ای جمهوری اسلامی ایران "هم تازه" انشاءالله! یعنی اگر پس از بیست سال، نظر خداوند بر قطع وابستگی جمهوری اسلامی ایران تعلق نگرفته، اجرا برنامه ای کار بیست ساله "میتواند تجدید شود ."

آزادی

بنی صدر در طی دوره ای جدال ده ماهه میخود با حزب مرتجع و ضدانقلابی جمهوری اسلامی و با استفاده از جو شیدا ضدآخوندی جامعه، نقاب آزادیخواهی به چهره زد . ما در صفحات "رهاگی" بارها طعنه رها کرده ایم و دروغ باقائوسی "آزادیخواهی" بنی صدر و بنی صدرها را تخریب تطبیق گذاشته ایم و در یکی از مقالات رهاگی نوشتیم که آزادی خواست ولی بنی صدر رهاگاری دروغگویند، آزادیخواه نیستند . برای بسازگان ها و قطب زاده ها و بنی صدرها، برای ایمن نوکران سابق ولایت فقیه، این تپا خورد گسان از "مذمت" های و مانعان سیاسی و ایمن تطابندگان مفلوک و حقیر و زمین بیوزاری فاقه الخلقه و بی هویت جوامعی مثل ایران و ایمن ریشتهای نابرابر با اصل دفاع از آزادی نه تنها یک وسیله، بلکه بیشتر یک بهانه است، بهانه ای برای توجیه بی روشگی و بی عرضگی شان . هیچ انسانی به اندازه ای یک کمونیست، صادقانه عاشق آزادی نیست چرا که آزادی را نه برای خرید و نه حتی فقط برای مردم کشور خسود بلکه برای تمامی بشریت دریند، مطلبد . و آن چه به هستی اش معنا میبخشد، مبارزه بخاطر آزادی و بالندگی و شکوفایی انسانها و رهاگی آنها از هرگونه استعمار و ستم جوامع طبقاتی است . در کتر شماره ای از "رهاگی" است که ما در دفاع از آزادیهای دموکراتیک و برداشت کمونیستها از آزادی، معنیان یک وسیله بلکه به معنیان یک هدف، سخن نگفته باشیم . در کتر شماره ای از "رهاگی" است که ما با کج اندیشی ها و درهم گویی های آن دسته از کمونیستها که دفاع از آزادیهای دموکراتیک برایشان اخ بسود

(و هست) - جوانک طرکیم - لنینیم را بسه جای طرکس وانگس وانگس و لنین را از اصنام مسن و ماثو آمیخته اندسه، بخورد نکرده و پوزنستید جدایی ناپذیر مبارزه بخاطر دیموکراسی و مبارزه ای ضد امپریالیستی / مبارزه ای طریقی در ضد سرطانیف داری / را نشان نداده باشیم .

بنی صدر که مدت ۱۹ دهه از بهمن ۵۷ تا شهریور ۵۹ یعنی بهنگام اعلام طنی و جدت ال دوجناح سابق حاکمیت، با در مقابل شکوه ها و جنایات ترورها، اعدا، عبا، دستگیریها و سرکوب کارگران و روستاگان زنانه، برحسب اذغلامی مسلح و آرمندان، تیراندازی انقلابی و دموکرات و خلقهای تحت ستم، بیست دهه تپا و شکستن قلعیا و دهریا و جدا جدا جنایات مهابسته، صلحمت اندیشه خفتان گرفته بود و با کاملاً همدست و شریک جناح دیگر حاکمیت در ایمن جنایات بود و با حقن و عوارضی نیز بعضی از خصی خورشید منی، از یاب هم کار توک که تریعتی از خصی هم مرتجعتر میشد، تاگهان در ویز ۱۷ شهریور ۵۹، نقاب "آزادخواهی" به چهره زد و کم کسم توده هائی را که از اشد اذغلامی دموکراتیک رژیم بجان آمده و توهم خود را نصبت به بسنگنا بخش از رژیم از دست داده بود، به بطرف خسود جلب کرد . در یاره ای از سخنرانیهای او در تهران، آن هیش از یک میلیون نفر جمع میشدند .

هرچه جناح دیگر حاکمیت عملات خسود را شد بدتر و قدرت رئیس جمهور را معدود تر میکرد . بنی صدر بیشتر در رفاهی سرکوب آزادیها و تپه سر میداد و صورت این جدا لپها موقتاً تشریف میآفتمه استعدادهای بنی صدر بر سرردن غزلهای طاشقاند در ستایش آزادی میخسکتند . با لاجرم وقتیکه زقوماند، همی گل قیا و ریاست جمهوری معزینند، اینها همه سرودن شعار خطسی در روح "ایستادان" و استقامت کردن برداشته "میثاق آزادی" آقای بنی صدر، ترموی یکی از این حالات شاعرانه ای جدیداوست . در صیج صفحه ای از میثاق نیست که واژه ای "آزادی" چند بار تکرار شده باشد . اگر از عبارات کلی نظیر "اندام بخاطر سر جرایم عقیدتی" نبود، زندانی سیاسی و شپوره در جمهوری اسلامی" واقعی" (که خصی نیزه رسال ۷ و همه آنها را بدشعرت دیده داده بود) که بگذریم، فقط در یکجاست که مفهیم "آزادی" و برد داشت این "تیردان آزادیخواه" از آزادی، برصوح متطبی میشود .

بنی صدر در جایی از "موتان"، "آقاسی خصی" را مورد سرزنش قرار میدهد که دیده های خود را در مورد آزادیها، که ایشان (و خصی آقای بنی صدر) در رفته بین آنها شرکت فستال داشته - بکسره پایمال کرده است . و ایمن آزادیها که "همه وجه انورین پایمال شد فاند" . به اسم اسلام پایمال شده اند . رئیس جمهور "منتخب و میرد اذغلامی مردم" که بخاطر بروز سیاه نشستن مردم و جیرانی کشید، بلکه بخاطر "ضربه هائی" که به اسلام وارد شده، شده اند، ماثراست .

* و سلب شد نشان ((آزاد بیا)) ازضریه-
 های است که به اسلام وارد شده اند .
 اما بهینم آن آزاد بیا گذاشتند :
 بالا و پایین "آزاد بیا" اندازی بنی صدر
 و سرزنش به خمینی در "سلب شان" همین چهار
 مورد است . سه نقطه .

« "آزاد بیا" برای زن و مرد "آنها امروزی
 ریاکارانه از طرف کسی مطرح شده که تسا
 همین چند وقت پیش معتقد بود که : "از نظرسر
 علمی ثابت شد که موی زن ایجادشده میکند
 و باعث تحریک مردها میشود ."

« "آزادی تحصیل" ، "آزادی تحصیل" جسی ؟
 تحصیل علم یا تحصیل مال ؟

« "آزادی فرهنگی اقوام" . گویا که مسازوهی
 خلقها (یا بقول بنی صدر : اقوام) ، پیوسته
 خلق قهرمان کرد و فقط بخاطر کسب آزادی
 های فرهنگی است .

« "آزادی انجام فرایض مذهبی برای مذاهب
 مختلف" . هرگونه سرکوب آزادیها که وجود
 داشته باشد ، لااقل تا این لحظه آزادی
 انجام فرایض مذهبی نه تنها برای مذاهب
 اسلامی (نه استثنا بیائیت) بلکه بسرای
 ادیان دیگر از جمله مسیحی و زرتشتی و بهیسه
 دی سلب شده است .

همین چهار مورد بالا + چند نقطه ، و السلام اور
 سخت "آزاد بیا" آزادی بنی صدر تمام است .

جمهوری اسلامی

عده ترین افراد بنی صدر به "آزادی خمینی"
 که در "میثاق" بد فطرت و در اشکال مختلف
 تکرار مشهور است که خمینی آن وید هایشی را
 که بعد تا بیان ایجاد یک جمهوری اسلامی واقعی
 داده بود ، زیر پا گذاشتند . بیان آزادی بنی صدر
 اینهمه بیانی و عبارتی ، گذار و آوارگی ، فاسد
 بد بختی و بیگاری ، شیاع و انعام ظلم و بیستاد
 گون و بهره کشی . . . (که خود او را بجا د آنها
 نالسا سپیم بود) ، چندان مهم جلوه نمیکند ،
 سالی و ایضا مهم اینست که :

" رفتار امروز آزادی جنسی . . . موجب بی
 اعتنای اسلام و سخت ترین ضربه هابه
 آنست ."

بنا :
 " اثر به حال و روزی که اسلام در نظر من
 حیوان کشور و مردم دنیا پیدا کرد فاست
 نتیجه کمیم به خطر استبداد شخصی . . .
 بی میروم ."

د :
 " جای بسیار تاسف است که وی ((خمینی))
 این سخن ((تصایح بنی صدر)) را نشنید
 و با اسلام و کشور و شخصیت خویش کرد
 آنچه کرد و میکند ."

چه باید کرد ؟ آزادی بنی صدر در میثاقی خود
 میگوید :

" در مقام انسان مسئول و منتخب و طبرف
 اعتقاد شما مردم بر آن شدم که رأی
 استقامت را در پیش بگیرم و برای نیجات
 انقلاب ((اسلامی)) و تداوم آن ، اصولی
 را که پیش از انقلاب پذیرفته شده بود تدو
 طی در سال و نیم آزمون برداشته اند ،
 در این میثاق تنظیم کنم و از همه و همه
 بخواهم بدان بهبودند ، آنها را اصلاح
 کنند و با تمام جان و دل در تحقیق این
 بکوشند ."

درست همان فرمول خمینی در سال ۵۷ است که
 میخواست " همه با هم " و وحدت کلمه را حفظ
 کنند و رژیم آریا میری را سرنگون سازند بی آنکه
 بدانند چه چیزی جایگزین آن خواهد شد . اشتباه
 بنی صدر اینست که سال ۶۰-۵۷ سال نیست و در
 توده ها هاد سال و نیم تحریمی بسیار تشخ و در
 همین حال بسیار گرانها از یک رژیم مذهبی را
 پشت سر گذاشته اند . بیکار فریب یک آیت الله
 العظمی را خوردند و مشکل بتوان تصور کرد
 که دیگر باره بدام بیاد وی سابق او بیفتند و بهیسه
 نقد بر این وظیفی مردم نیروهای انقلابی بهیسه
 کمونیستهاست که متحدا از تکرار یک فاجعه
 یعنی برقراری جمهوری اسلامی به نوعی دیگر ،
 جلوگیری کنند . مبارزه علیه رژیم جمهوری
 اسلامی و سرنگونی آن آری و استقرار جمهوری
 جمهوری مردمگرا .

بنی صدر در جای دیگر از " میثاق استقلال ،
 آزادی ، جمهوری اسلامی " مینویسد :

" طبعه بیان با ملاحظه این اصول
 ((میثاق)) . . . باید بیکار به برای ملی
 ساختن این اصول قیام کنند ."

بنی صدر برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی
 خمینی و استقرار جمهوری اسلامی نوین ، معتقد
 است که باید یک "جبهه سیاسی" تشکیل شود که
 شرکت معتقدین به "استقلال ، آزادی ، جمهوری
 اسلامی" در آن یک تکلیف است :

" . . . بر همه ی گروهها و گرایشها و احزاب
 معتقد به استقلال ، آزادی ، جمهوری
 اسلامی ، کوشش برای ایجاد این جبهه ،
 فوری است ."

مخاطب میثاق همه جا ، " زنان ، مردان ، گروهها و
 احزاب سیاسی طرفدار استقلال ، آزادی و جمهو
 ری اسلامی " است . این میثاق در واقع توسط بنی
 صدر و خطاب به سازمان مجاهدین و گروههای
 مذهبی نظیر نهضت آزادی ، جاعا طرفداران دکتر
 شریعتی و آریان مستمعین و افراد و شخصیتهای
 مذهبی و نیمه مذهبی و یا هنوز متوهم به "اسلام
 راستین" نیستند ، بلکه برای کسانی که اسلام راستین

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دیگر باید

خمینی را قبول ندارند و در صد استقرار حاکمیت یک جمهوری اسلامی نوین و ایجاد توهم جدید میباشند .

مخاطب این " میثاق " بهیچوجه کمونیستها نیستند ، نه فقط از این جهت که بنی صدر آنها را در " میثاق " بدفعات کنار میزند :

" باورم اینست تنها مردمان و گروهها و افرادی میتوانند بعنوان پیشگام انقلاب (اسلامی) متحد عمل کنند که این میثاق را بپذیرند و صمیمانه برای تحقق آن تلاش کنند " . (۳)

و نه فقط از این جهت که کمونیستها هیچ قشری از بورژوازی (از جمله خرده بورژوازی دموکرات) را طرفدار بگیرد " استقلال و آزادی " میدانند بلکه به این دلیل بسیار مهم (بسوز) پس از تجربیات تلخ و گرانمای دو سال و نیم اخیر) که کمونیستها برای استقرار یک رژیم مذهبی ، یک جمهوری اسلامی (چه از نوع قدیم و چه از نوع جدید) مبارزه نمیکنند و نمیخواهند که زحمتکشان جامعه از جالهی جمهوری اسلامی خمینی به جا ، جمهوری اسلامی بنی صدر و متحدین متوهم آن بیفتند . زیرا اگر " جامعهی صد درصد اسلامی " خمینی یکسال هم طول نکشد کسبه ماهیت ارتجاعی و ضد انقلابی و ضد مردمی خود را به نمایش بگذارد ، جمهوری اسلامی در " جامعهی توحیدی " یا در " جامعهی بی طبقه توحیدی (و یا احتیلا تلفیقی از این دو) سالها میتواند زحمتکشان جامعه را بدنیال سراب بکشاند و بالاخره تشنه و ناامید بگرداند .

این " پیش بینیهای طمی " محرومانه که بگذروسم ، غریبها " پیش بینی علمی " دیگر وجود دارد که در مجامع عمومی عنوان شده و در رهاغی توقیفست در روزنامه ها انتشار یافته اند . برای اینکه در زمینه ضمانت اجرا ، وعده های توخالی و " پیش بینی های علمی " متدحج در " میثاق " بنی صدر صحتی بدست دهیم ، پاره ای از آنها را در زیر نقل میکنم . توضیحا اضافه کنیم که بنی صدر " پیش بینی های علمی " زیرا تا در زمان مفضوب شدن و تپیا خوردن ، بلکه در ایام در پیروگی و پادویی ولایت فقیه عنوان کرد ، در زمانی کسه در اوج قدرت و مورد اعتماد کامل " امام امت " بود . هفته ها و ماههای اول ریاست جمهوری را میگوئیم :

- " شالهی بیکاران طبق برنامه باید تا سه ماه دیگر انشالله بگلی حل شود . " (باعداد ۲۸۳ / ۵۸۸)
- " مساله نان و گوشت تا قبل از عهد حل میشود . " (سخنرانی بنی صدر در مجمع بازاریان پیرو خط امام ، باعداد ۱۶ / ۵۸۸)
- " امیدوارم اصسال (سال ۵۹) آخرین سالی باشد که شیبا مردم در این زافه ها در رفتنهای محرومیت زندگی میکنند " (سخنرانی بنی صدر در اول فروردین ۵۹ در مجلس آباد تهران پاریس ، اطلاعات ۵۹ / ۱ / ۶)

و در همانجا ، برای بقیه مردم ، زمینهای آباد و خانههای خوب و زندگی مرفه را برای عطان سال وعده داد .

- " سال آینده (سال ۵۹) از نظر تولید و محصول سال خوبی خواهد بود . " (اطلاعات ۵۹ / ۱ / ۶)
 - " اصسال (سال ۵۹) کشور را از خرید گند م بیسی نیازاست " (سخنرانی بنی صدر در نوشهر ، انقلاب اسلامی ۵۹ / ۲ / ۲۹)
 - " روستایان ماکه میخواهند از زمین استفاده کنند ، امیدوار باشند که در سال جدید (سال ۵۹) مساله ای بنام زمین نخواهیم داشت . " (سخنرانی بنی صدر اولین نظریه سال جدید در دانشگاه تهران ، اطلاعات ۵۹ / ۱ / ۶)
- ناگفته پیداست که هیچ یک از این " پیش بینیهای علمی صحیح از آب در نیامد !

زحمتکشان شهری و روستایی

بنی صدر رهاغی نظریه که در " میثاق " مفاهمیم عام و مبتدلی از " استقلال " و " آزادی " بدست میدهد در زمینهی مسایل اقتصادی ، جامعه نیز به گلی باقی و درهم گویی نظیر آوازهی مبارات بی محتوی و پوپلیستی زیرا کتفا میکند :

" برای بازگرداندن انقلاب به مجرای اصلی خویش ، اصل قرارداد نظام اقتصادی اسلامی برای زمین بودن هرگونه حاکمیت اقتصادی گریهی بر گروه دیگر و بد بد آوردن امکان برابر پهای و شد افراد جامعه ضرورت تمام دارد . "

بنی صدر در " میثاق " بلند بالای خویش ، در سارهی وضع زندگی زحمتکشان شهری و روستایی در جمهوری اسلامی نوع جدید و حرفی برای گفتن ندارد . اما

پیش بینی های علمی

" راه علمی " ، " روش علمی " ، " تحلیل علمی " ، " پیش بینی علمی " . . . از عبارات بسیار مسرود علاقهی آقای بنی صدر است که در سخنرانیها و نوشته ها و در " میثاق " ، فراوان بچشم میخورد . الحق آقای بنی صدر مانند آقای دورینگ بسیار به " علم " علاقه دارد . و مانند او میکوشد کسه علم را دگرگون کند . البته تشابه آتسهای بنی صدر به آقای دورینگ ، یک تشابه مسوری است . استاد بنی صدر را از نظر " علمی بیشتر میتوان به غلی حوزهی علمی قم تشبیه کرد .

آقای بنی صدر در " میثاق " مدعی است تمام آنچه در ایران گذشته و با میگردد ، نه فقط چند سال پیش از انقلاب ، بلکه بویژه در دو سال و نیم اخیر ، از طریق " روش علمی " پیش بینی کرده و آنرا بارها به " مسئولان " خصوصا به آقای خمینی " متذکر شده است . و یا قبول ایسین ادعاها ، که در اظافهای درسته عنوان شد فاند . با " آقای خمینی " و " مسئولان " است (که عده ای از آنها نظیر " پیشینی مظلوم " ، با نوشیدند شریعت شهادت ، داوفاقی را و داع گفته اند) ، از

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

۹۸

صفحه ۸

نگاهی به ...

است. (باعداد ۲ بهمن ۵۸)
 ۲) تاکیدها در این مقاله همه جا زماست.
 ۳) البته آن دسته از "کمونیستهای" که حاضر به خرحالی نفت و میانی بس برای بوزوازی و خرده بوزوازی باشند و میثاق را بی چون و چرا بپذیرند و "صمیمانه برای تحقق آن تلاش کنند" میتوانند در رگاب آقای بنی صدر و برای آقای بنی صدر ر شمشیر بزنند .



سال سوم، شماره ۹۹
 پنجشنبه ۵ فروردین ۱۳۶۰
 شماره ۱۰ رساله

رهائی

ویژه مبارزات توده‌ای

۲ سازمانها منتشر میشوند


نشریه سازمان وحدت کمونیستی

۲

نگاهی به "میثاق" بنی صدر

"برای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی"

و گذشته بی افتخار او



بنازته و بر آن ملتزم گسودند که در پارسی اظهارش میگردند. (نقل از "میثاق") - تاکید از آقای بنی صدر و برانتر از ملت [] در بخش اول این مقاله بسا آوردن چند نمونه از "میثاق" مشاهده گردید که بنی صدر برای سرنگونی جمهوری اسلامی کمینسی و استقرار جمهوری مکه در صفتها؟

در بخش اول این مقاله، با ارائه نمونه‌ای از "میثاق" بنی صدر و بسا استناد به گذشته، نوشته‌ها و نیز عملکرد ضد انقلابی گذشته او، سوابق متدل و ماهیت برآوردن میثاق را از مظهری بنام "استقلال"، "تخلف راستگی"، "اصولگرایی آزادی"، "شواها" و نیز به "توده‌های" دروفین او در باره زنان و تبعیضات آن شهری و رهبری را نشان داده و به "میثاق" که بنی صدر در صدر "بازگشت" به پاریس و استقرار همان جمهوری اسلامی است که "آقای خمینی" چند روزه و بعداً همه آن بعدها را پایمال کرده‌اند. کجی که اولاً جمهوری اسلامی همواره از پاریس صادر و به ایران وارد می‌شود (آن مبارزین است اصولگرایی و آیین مبارک به کنگر سوسیال دموکراسی اروپا) ثانیاً آدمهای پاریس "تجاهت" و به ایران که می‌شنیدند به "ویا بقول بنی صدر" سر "میثاق" "فدا انقلاب" می‌شوند. و بسا به رسیدن از کجی معنی می‌گردد که همین حکم در مورد خود آقای بنی صدر (با آن گذشته میاه او از صافی نتاشته) او در "میثاق" در جملات پس از آن "جمهوری آینه‌الله" کلانی که از او خواسته بود تهیه کند، می‌نویسد:

* یا کمال یک حضورم از دهها نگاه کرده و تا کرده تهیه کنم بسا شرط آنکه آقای کمینسی ([همان نمط نظری] پاریس بسا) و همان انقلابی را بخواهند و مقرر می‌

در صفحات دیگر:

- * سوابق "کجی" - اعضا "خونین" گانگنه در طول تاریخ []
- * مفهوم واقعی "شورا" در مکتب حامیان اسلامی سرمایه
- * اخبار

نگاهی به...

اسلامی واقعی از معنقدین به جمهوری اسلامی میخواهد که با تشکیل یک جبهه سیاسی او را در این راه یاری دهند. همچنین با ارائه چند نمونه از فرمایشات ایشان در "میثاق" دیدیم اینکه جنایاتی که از نوعیت حدود جمهوری اسلامی و پیاده کردن قوانین اسلام در این دو سال و نیم انجام شده و اینهمه برانی، گشتار، شکنجه و اعدام، آوارگی، فقر ویکساری و بیسوسره کشی و انعام و انعام ظلم و بیادگری (که بی صدر غالباً بطور مستقیم و غیر مستقیم در آنها سهیم بود) برای او مهم جلوه نمیکند. صالهی و افما مهم برای ایشان در "میثاق" اینست که خمینی به امتیاز اسلام در میان نملد جوان و مردم دنیا، لطمه زده و سخت ترین ضربهها را به آن وارد کرده است و اساس ترین انتقادهای و سختترین سرزنشهای بنی صدر در "میثاق" به آقای خمینی در همین زمینه است.

و بالاخره در بخش اول این مقاله، به منظور اینکه برای ودههای بیشتر بنی صدر و بیش بهترین های علمی ایشان برای آینده در "میثاق" ممکن بدست دهیم لازم دیدیم که نمونه هایی از ودههای بیشتر و پیش بینی های علمی مکرر ایشان در گذشته، در هفته ها و ماههای اولیه ریاست جمهوری ایشان (که حتی یک نمونه ی آنها نیز تحقق نیافت)، ارائه دهیم تا مشخص شود تا چه حد میتوان به ودههای امروزی ایشان فرصت طلب شارلاتان (که بقول خودش بیست سال بعد آقای خمینی بوده و در مکتب او درس تباری آموخته است) اعتماد کرد. و اینک برگردهم به دنباله ی مطلب مربوط به "میثاق" آقای بنی صدر برای استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و گذشته ی بی اغضار او.

قانون اسلام

آقای بنی صدر در "میثاق" میگوید: "در اسلام شخص حکومت نمیکند، قانون حکومت میکند. بنابراین (خمینی) باید برفقه و از راه به پیوستگی بنهار میلند که اجزای قانون اسلام تضمین گردد." گویا خمینی میگوید: من حکومت کنم و "قانون اسلام" حکومت نکند! گویا رژیم جبار خمینی به خاطر اجرای قانون اسلام، اینهمه جنایت مرتکب نشده و نمیشود که آقای بنی صدر در "میثاق" خود، تضمین اجرای قانون اسلام را در جمهوری اسلامی آیندهاش به مردم وعده میدهد. سال تاقرن (۱۰ سال) که به همت بشک خمینی، بنی صدر، پیشتر بوجود آمد برای بنی-

صدر سال بدشگونی بسوز زیرا که بنی صدر خیال میکرد که به یمن "سال قانون" اگر نتواند بهشتی، رفتمانسی، خانههای را از صدلیهای ریاست به زیر بکشد، لاف سهم و "حق قانونی" خود یعنی تقسیم عادلانه ی قدرت را بدست میاورد ولسی خود او، توسط همان "قانون" از تحت فرماندهی و ریاست بنی صدر کشیده شد. بنی صدر و بهشتی با "تا" شد خمینی) میخواهند در سال قانون "کارگران و سایر زحمتکشان، خلق را تحت استیت تقسیم نیروهای انقلابی را بنیت سرکوب کنند و "امتیاز" برای سرمایه را بسوزد آورند که یکسی این ارز را بسوزد و دیگری به پارس برود.

ارتش

بنی صدر در اوایل سالهای ۵۰ در حسین ثوریهایی خود در اقتصاد توسعه ی "توزیع" انحلال ارتش ضد خلقی را مطرح میکند میگویی که بجای ارتش شاهنشاهی بساید ارتش خلقی و غیره خرده ای ایجاد کنیم زیرا چنان ارتشی، حافظ نظام ظفونی است و تا آن ارتش از بین نرود نظام ظفونی جامعه از بین نخواهد رفت و دسترسی به جامعه توسعه ی امکان پذیر نخواهد بود.

عصن ثوری بای ناشناس و دستت هم اوایل سالهای ۵۰، وقتیکه در اواخر سال ۵۸ ریاست جمهوری و فرماندهی کل آسوا میرسد، پنجم گلاه ثوریهای خرده پوزوایی اش (نه فقط در این زمینه، بلکه در کلیه زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و بسوسره اقتصادی) فرومیوزد و بجای "انحلال ارتش ضد خلقی" به بازسازی همان ارتش شاهنشاهی "نظام ظفونی جامعه" میرد آرد. از وقتی که بدستور خمینی در ۵۸/۱۱/۲۰ به فرماندهی کل قوا منصوب میشود، تمام کوشش خود را در بابودی شهرهای پرست نیروهای مسلح (در کشر نطق از اوست که به ایمن شهرها حطه نکرده باشد)، در احیای اطاعت کورگوانه سلسله پراب و انظیسات شاهنشاهی و با بقبول خودش "انظیسات آهنین" (اطلاعات ۳ بهمن ۵۸) در دفاع از فرماندهان ارتش شاهنشاهی و در توجیه ضرورت استفاده از ایشان (کیهان ۲۲ فروردین ۵۹) بکار میبرد و فعلاً آنسه در اخراج پرست انقلابی نیروهای مسلح خزیم جمهوری اسلامی و دواج سیاسی - ایدئولوژیک (رکسن ۲ سابق) قرار میگیرد و تمام اینها را برای ایجاد "امتیاز داخلی" و "بحرکتی در آوردن اقتصاد مملکت ثباتت میدهد. (اطلاعات ۵۸/۱۲/۱۱)

هدای بنی صدر از در دست داشتن ارتش این ابزار سرکوب علاوه بر چندانه از مبارزه آینده را جناح دیگر حاکمیت همسازت بود از سرکوب، خواستنیهای کارگران و سایر زحمتکشان و احتقار همسریده بیشتر آنها، سرکوب نیروهای شرقی (از جمله مجاهدین) و خلقهای تحتست

جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه دار

میگوید:

... از نطفه تا بهار رس، انقلاب میثاق است و آن ورود به تهران، خدا انقلاب میثاق زد... و به تدریج به روش حذف مایسل میشود.

رئیس جمهور و فرماندهی کل قوای سابق جمهوری اسلامی، گذشته ها و نوشته ها و خاطره خدا انقلابی خود، در دوران فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری را از یاد برده است. از یاد برده است که چگونه خمینی را از روی بستن و مسدود به کارگران، روستا نمایان، دانشجویان، غنچه ها، شوخاها، نیروهای انقلابی، "خطار" و "هندار" و آخرین بهشتی ایجاد و در سرکوب آنها بسا حزب مشور جمهوری اسلامی همدست بود. امروز بجای عبارات آشفتنی "قاظمیت بگار بردن"، "تابو گردن"، "خاشه به خاشه کوبیدن"، "ظلم آفرینیدن" نیرو جنگیدن، "منطقه را از وجود یاغیها و مسدان پاک کردن"، "بازها و بارها در میثاق در اشتقاق از "روش حذف" و "روابط بر اساس زور"، "اساس تربیت توحید"، برای رسیدن مسه "حاکمیتی توحیدی" را تشکیل میدهد.

خاتمه

امروز بنی صدر در "میثاق" ریاکارانه همه چیز را بهمه کس داده میدهد. ظننها نیرو از این وعده های تو خالی و "بهشتی بینی" غای غلطی بی - شعیب نصا نداده اند:

"در محدودهی استقلال و تمامیت بگیارم چکی ارهی کشور، باید همه ای اقسنوام از حقوق برابری برخوردار گردنسد و اداری بعلی بر اساس بنیاد شورا با خودشان باشد"

هر کسی که غریب و هده های دروغین این پسا دوی با حق ولایت فقیه را بخورد، خلقها بویژه خلق کرد و ترکمن غریب دروغ با فیها و عواغریبسی های گسوسی او را نخواهند خورد. امروز بنی صدر در مهاجته های خود از خارج از کشور (از جمله سا روزنامه ای لجهرا صمون ۶ اوت ۸۶) میخوانسد، سترانی بی طود در سرکوب خلقها را انکار کند و بنی خلقها بویژه کرد و ترکمن، نقش اساسی و مستقیم فرماندهی کل قوای سابق بصوط در جنگ دوم ترکمن صغرا و کردستان و رجزخوانجهه صصای بیستار او را فراموش نگرداند، در اینجا دو سه نموده از آنها را با آور می شویم (خوا شنده برای شا حده ای کهنه ای عمیق سنی صدر نسبت بسه خوا شنهای حق فقیه ای خلقها بویژه خلق فهرومان کرد، میخواند بید نموده های بیشتتری که در شماره ۷۷ "رها بی" نقل کرده ایم، مراجعه کنید):

در جنگ دوم ترکمن صغرا، سنجکام حملات و عثمانی با بداران و ارتشی و زمینداران بزرگ به روستا شیان بی دفاع ترکمن و خراب گسردن خانه ها به سرتان، کشتن دهها و زخمی گسردن هدها روستا بی زحمتگی، فرماندهی کل قوا اعلام کرد که: "ما شاد به خانه میگویم" و به این

بویزه خلق کرد و در یک کلمه، "بجاد امینت" لزم برای اعضشار سوما به از نیروی کار. جالب است که بدانیم با اینکه بنی صدر در "میثاق" حتی یک کلمه درباره ارتش حرف نمیزند ولی در مصاحبه های خود در پاریس، مدام بسسه روی ارتش تکب می کنند. در مصاحبه ها سرز ژولسینی، مدیر روزنامه ای فرانسوی لیسراسون (۶ اوت ۸۶) ۱۵ مرداد ۸۶) میگوید:

"در زمان فرماندهی من ارتش اولسین بار در تاریخ ما مدعی بشوی (دروغ آنجنسسان ابلها شه بود که روزنامه ای لیموا صسون و ژولی - گدا - را در مایسل این ادعا گذاشه). قدرت فرماندهی در ارتش نسیم شد... (ارتشان) به مسن بسشاد کردند که خمینی را ترور کنیم ولی من مخالفت کردم... چرا که خمینی پیش از آن دست به خودکشی زده بود... پس بسشاد کردند که فرماندهی کودتا را بر عهده بگیرم ولی من رد کردم."

بنی صدر در مصاحبه ای با روزنامه ای لومونداما کرده است که به درسد ارتش از او حمایت می کند. جمهوری اسلامی نیز مدعی است که ارتش اسلامی شده و یکبار و به در بهشت صرا ما م و مکتب سسرا ر دار د. سلطنت طلیان، زمرالهای صسواوی و بختیار شیز میقتند که ارتش با آنها صست. ارتش واقفا ما کیست؟ تردیدی نیست که ارتش نه با رژیم جمهوری اسلامی و نه با بنی صدر. بدنیای تفکیده ها و اخراجهای بی در پور سسسل انقلابی نیروهای صلح و سرکوب شورا های ارتش (که خمینی و بنی صدر و حزب جمهوری اسلامی به یک اندازه به آن علاقمند بودند)، و طسرسیم عناصر فداکار و مردمی که هنوز فر و ان در ارتش و سایر شهروهای صلح وجود دارند. ارتش بصوان یک مجسمه، یک سسسم، همچنان تا هسنا هی یا به دل (سابق) بنی صدر، "طافوسی" است. و ایمن خداست که بنی صدر در چند ماه بهشت، اواسط پرویدی مغربیت او، در زمانی که هنوز رشپسی جمهور و فرماندهی کل قوا بود، نه در مصاحبه ها و نوشته ها بلند بطور عمومی، در حضور بنی از نزدیکانش اعتراف کرده بود:

"هر طلاف آنچه شایع است، ارتش با مسن صست. من ادعای خودم را مازم و حزب جمهوری اسلامی هم ادعای خودش را دارد ولی ارتش در مجموع، شاهنشاهی است."

اگر امروز بنی صدر که دیگر نه رئیس جمهور است و نه فرماندهی کل قوا - مدعی است که ۹۰ در صد ارتش با اوست، اینهم از آن دروغها بی است که بنی صدر قبل از رسیدن به قدرت (انتخابات ریاست جمهوری - که همه چیز را بهمه کس و سده سجاد) و بعد از برکناری از قدرت ("میثاق") که همه چیز را بهمه کس و عده میدهد، عسوان سگرد و می کنند.

"روش حذف" و "توسل به زور"

بنی صدر در "میثاق" در مورد خمینی

تاریخ ۵۹/۲/۲۵ به اهواز رفت. در جمع اویاتان و پاسداران و حسابدارانی که دانشگاه اهواز را بخاک و خون کشیده بودند، بیم شیرویه‌سای سیاسی بگزار دیگر اظهار کرد:

"این آخرین مهلت و آماشی است که همه نیروهای سیاسی میدهیم."

و در شمار جمعی تبریز، مانند خمینی و سایر مرتجعین جمهوری اسلامی اکتوسیستها و سایر نیروهای انقلابی را شوکر امریکا معرفی نمود و خطاب به آنها گفت:

"شما باید بدانید، آن اربابان امریکا - بی که این نقشه‌ها [درخواست مسیح خودمختاری برای حلقه] را کشیده‌اند بدانند که چقدر از ما هبکس در دنیا نیست. آن چ واقعی ما هستیم گسه سلیمانیم." (اطلاعات - ۵۹/۲/۲۲)

عم راهی نبود و اضافه کرد: "این هنر فقط ده دره از فاطمیت ماست".
پس از سرکوب مردم قهرمان سنج، فرماندهی کل نیرو:

"به ارتش و پاسداران دستور داد چشور پاکسازی خانه‌های سنج را تقشیش کنند." (ندای آزادی، ۵۹/۲/۲۲)

و در شمار جمعی تبریز گفت:

"در کردستان، استقلال و آزادی و اسلام با کفر و وابستگی و استبداد روبرو است. ... عربازان دلیر ما که ایستگ در خانه میکنند پشتونند که فرمان من به آنها ایست که با تمام قوا بچنگند تا بیروز شوند. شما باید خانه را از وجود مفسدان پاک کنید و فرماندهی شما جز این برای شما فرمانی ندارد." (اطلاعات - ۵۹/۲/۲۲)

گروههای سیاسی، نیروهای انقلابی

بنی صدر هر "مبتاق" وعده میدهد:

"در جمهوری (اسلامی واقعی)، جرم سیاسی بسنای عقیده به این یا آن مرام وجود نخواهد داشت و به این عنوان زندگان و زندانی سیاسی نخواهیم داشت."

فراموش نگردیم که شاید دیگری در سال ۵۷، دهها بار همین وعده‌ها را در صورت استفسار جمهوری اسلامی ایذا "واقعی"، داده بود. اگر در سال ۵۷، بوده‌ها با ماهیت دروغ‌پایاننده و عوام‌فریبانه "امام امت" و مراد (بنی) آقای بنی صدر، آشنایی نداشتند ولی لاف، با چهره‌ی عربید و پادروی سابق "ولایت فقیه" در، پراتیکه اجتماع و شجره‌ی روزمره، آشنایی یافته‌اند. تهمت‌های دروغین و شایعه‌نمردانه، حملات بی در بی و بی‌شمار بنی صدر در مورد گروههای سیاسی و نیروهای انقلابی (از جمله مجاهدین) آنچنان فراوان است که نه‌بازی به تاکید ندارد و در اینجا فقط دو سه نمونه‌ی کوتاه آنها بعنوان مساس آوردی نقل میکنیم:

در آغاز ریاست جمهوری و فرماندهی کل قوا، به گروههای سیاسی (و از جمله مجاهدین) هشدار میدهد:

"به این گروههایی که گمان میکنند با زور و گلوله و تفنگ خود را بسنسا بسناسانند باید حالی کنیم که (اسلام اهل این چیزها نیست". (اطلاعات - ۵۹/۲/۲۶)

بنی صدر که امروز دو "مبتاق" تنفر خود را از روش حذف و "عدم شمول بزرگ" بدقتات تنگسوار میکند پس از "فتح" دانشگاه تهران و تئلیکه در

دانشگاه

بنی صدر در "مبتاق" درباره‌ی دانشگاه هرفی می‌نویسد و در سرتاسر "مبتاق" فقط یکبار، در صحت "آزادیها"، عبارت مهم "آزادی تحصیل را بکار میبرد و همانطوریکه در سخن اول این مقاله گفته‌ایم، معلوم نیست که منظور او "آزادی تحصیل" مال است یا علم.

اما زمانی که بحاضر تنهیم "عادلانسه" قدرت (نه سرخلاف فوئس "بخاطر شما سرردم") مجبور به عدال با حزب مرتجع جمهوری اسلامی شد، دجاج از حقوق استادان و دانشجویان بعنوان آن یکی از ابرار عوام‌فریبی این "قهرمان آزادیخواهی" شمار میرفت. او رباکارانسه برای بازگشتی دانشگاهها سینه چاک میداد و همیشه میگذاشت تا گویا از پادها بیود گسه سفیران رئیس جمهور، رئیس شورای امنستاسلاب و فرما بددی کل قوا، در سرگزیی دانشگاهها و دانشجویان و استادان مترخی، نغشی کوچکنر از بهنتی‌ها ندانند است. تا گویا از پادها بیره که او نبود که بهمراه کلبه‌ی اعضا شسورای انقلاب و رهبران حزب جمهوری اسلامی و پادها را از بدست و بمنوان فرما بددی کل قوا "شخصی دانشگاه، بر روی اجساد دهها کشته و بر روی بدنی بیروح دهها دانشجو و استاد رخس و زندانی، "روز ولادت خاکمیت دولت" را جشن گرفت. تا گویا از پادها بیود که این او نبود گسه در همان روز، در دانشگاه تهران در رابطه مساس "ساقی امنیت" برای صوما به‌داوان، گفتند بود:

"وزیران و مسئولان حکومت در هر نقطه‌ی کشور باید بدانند که از این پس، دستورات آنها با بیبدون جوی و چرا اجرا شود و در هر کارخانه، درزرعه، مدرسه، کلاب گسه آزادی مردم تملی شکتوبیکار مشغول نشود. ندما مردم را در آنها حا فر میکنیم." (بامداد - ۵۹/۲/۲۳)

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان، انقلابی دگر باید

بیز کوبا از یادها بیرون کند این آزادبخشوار و دمنش "عفا و زور" نبود که همانروز، مسکن از نادهای غرور، با وفاقها و انگاه، این سنگر آزادی را "سنگر سلطان" خوانده بود:

"اگر آنها واقعا میخواهند دانشگاهها باز بماند و به کار خود ادامه دهند پسرا همراهِ دانشند که این دانشگاه را بسند سنگر تبدیل کنند، سنگری که در برابرس ملت و ارادهی ملت، این سنگرها می کشد در برابر ملت باخته شود. سنگر همسای سلطان تلقی میکنیم و بدون گنجینهی سرخم آنها را درهم میکوبیم." (همانجا)



وزیم جمهوری اسلامی باید سرنگون نشود، نیروهای انقلابی سوزنه کمونیستها در ایستادن رعبه کمترین تردیدی ندارند و از هیچ کوششی برای سرنگونی این رژیم حمایتکار و نفرت انگیز خودداری نخواهند کرد. اما فاجعهی سی ساله ۵۷ باید یگبار دیگر تکرار شود. قبلاً گفته ایم که معاذ بنی صدر در "سحق"، "معتقدین" همه جمهوری اسلامی است و بدنامات کمونیستها را در "میثاق" - که سعید رجوی در معاهده با شلوپیزبلی آلمان آسرا "سند استقلال و آزادی ایران" می نامد - در جامعه شود به شماره اول تحریریهی "جمهوریست" دانشجویان مسلمان در فرانس - که کنار میزند. این کم لطفی، بنی صدر نسبت به کمونیستها شاید از این بابت باشد که نباید آنها مسخرای استوار یک رژیم جمهوری اسلامی دیگر، مبارزه نخواهند کرد، در هر اتحادی چشم شخصه وارد نخواهند شد و برای مدیریت رسیدن آنان بنی صدر و متحدین وی، هر چواری نخواهند داد، ما باید در همین صفحات رهائی گفته ایم و بگیم ردیگر تکرار میکنیم که بنی صدر شرکت کمونیستها در هر اتحاد و جبهه ای، اتحاد محول کمونیستها و زماشهای کمونیستی است و پس از آن میسوان درباردهی اتحاد و وارد شدن در هر جبهه سیاسی گروهها و سازمانهای غیرپرولتاری (چنینا اسنل سعادتین، و نه اسنل بنی صدر) - سخن گفتند. در اینجا، برنامد و بیانگرم این جبهه همه باید در شرایط دوگانه نیک، با حقوق مسدود، بدون هیچ تمهیل و پیش توجهی نبوده. کمترین شیمتها در اتحادها بنی نظیر "میثاق" آنها هم تهیه شده نوعی گمانی باشد بنی صدر، هرگز شرکت نخواهند کرد.

ما به ناسفانست که عاقدین به افاق سزادهی بنی صدری باشد بنی صدر دخیل بنده اند. معتمد و امنی معاهدین، اگر به آزادیهای گذشته خود بخت نکرده باشند، که اگر بزرگی است در این توجه از حسین، بنی صدر و افرادی جنرال او نیست، نیروهای انقلابی چاره است. معاهدین به بنی صدر نیاز ندارند و اسنل بنی صدر است که ربا کاراید و فرسوده کلیمانه رژیم از درپوزکنجهای اولیبه، سناظر خودخواهن فساد.

حماقتها، بنی لیبافتنی های خود از نصرت بزرگ گنبدندند) بدبیا بگا ندوده ای و به حیثیت مجاهدین بن چم دوخته است. بنی صدر برای مجاهدین چه صادره؟ هیچ! جز بدنامی، لایند تحلیل سسل مجاهدین است که بنی صدر عوض شده است، تمویزی که در این صفحات گوشیده ایم از بنی صدر بدست دهیم، نشانگر اینست که بنی صدر عسوف تدلی نیست، بنی صدر اگر هفتاد بار بکشد و رویش گنبدند، همان بنی صدر زمان انقلاب تا قبل از مغلوب شدن است، همان موجود فرصت طلب، رباکار، دروغ باف، سازشکار، بنی لیبافتنی، منطخر - حقیر، بی محوری، پر مدعا، فساددیت طلسمی که بود بنی صدر، امروزه بهر از مغلوب شدن و سرنگاری از قدرت، به موافق قبل از انقلاب سیاسی بهمن ۵۷ برکنده است، همان نسرهات شست دهم که تا قبل از انقلاب کسی مسخرای آن رویش بود! ربهای بنی صدر به با بقول خسرو بنی "تعلیقات ۱۵" بگردد "شرد هم خرد نمیکرد" - بنی صدر در هورت فصلبر محدث قدرت، همان بنی صدری خواهد بود که از اول انقلاب تا اوایل چشمال او با جناح دیگر همکاری بر سر شسیم "عادلانه" قدرت (قبل از شهریور ۵۹) شناختنایم و در ایمن عقاید کرشیت دایم که گوشه های از آنها سرشیم گسیم.

اما در مورد اتحادها حدس ما بنی صدر باید گفت، تا وقتی که گروهها و سازمانهای کمونیستی نیاقت آنها نداشته باشند، علسر نسیم اختلافات موجود، در زمینه های اساسی و مسدود قبول همه، متحد شوند و صورت یک ششروزی اختیاری خود را تحصیل کنند. جاهدین هرگز به طرف آنها نخواهند آمد و هر چه بیشتر بسند راست متضاد خواهند شد و برخی از سازمانهای خرد و سروراز می و بظاهر کمونیسترا سرزمینوان زاندهای بدشمال خرد خواهند گشاند.

سازمانهای کمونیستی مدتها در عالمهم بهرورت خیال میکردند که هر یک به تنها یکنی میخوانند بدین قدرت باشند و درغیاب جنبشهای طبقه کارگر، هر یک میسوان تنها شماندهی آن بهعلاف رژیم سرپا به رفتند و احتمالاً قدرت سیاسی را بدست آورند. نسیم که با پیورن ارتجاع، آن توهم الهانه و خود بزرگ سنامه چگونند همچون بادکنکی ترکیبند. و امروز نیز بهنگاه شناجم و حیثاندهی رژیم، هر سازمان فرجیمسوخ میدهد که با امکانات کم و بیش محدود خود، به تبهوی خاصی خرد، نظور بیاکنند و بدون پیورنند با سازمانهای دیگر کمونیستی، مفاومت کنند. غافل از آنست که اگر مقاومت را سازماندهی نسیم، اگر اتحاد محول نداشته باشیم، اگر بسند کیسی ها و سرورگین ها و درهم اندیشیها و سوال و نسیم گنبدند، عوت اما مد دشمن، چه بسا گنبدند ارتجاع نک شق ما را به نابودی بگشاند.

همیش چش ایران در دو سال و نسیم احسور، بنی لیبافتنی طلوع خود را در سازماندهی مبارزهی نوده ها علیه رژیم جمهوری اسلامی نشان داد و امروز، در زمان سازماندهی مقاومت در سنا سسل بقیه در صفحه ۹

پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

نگاهی به ...

یورش و حشیانه‌ی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی، اگر نتواند این وظیفه را انجام دهد، ضمن هر چه بیشتر برآست‌گشاندن مجاهدین، راه را برای بنی صدرها با بختیارها و فرماندهان سلطنتست ارتش باز خواهد کرد. مگر اینکده طبعی یرتوان کارگر ایران، ناسید و سرخوردد از وکسسالای (بی موکل) پر حرف و بی عمل و نطق سفسسوی بی لیاقت خویش، خود وارد معنهی کارزار شود و رسالتی که در بهمن ۵۷ قادر به انجام آن نند، منحقق کند.

غلامه اینکه در صورت اتحاد عمل گروه‌ها و سازمانهای کمونیستی و شرکت متحد آنها در یک جبهه با نیروهای غیرپرولتاری و دموکسرات و سازمانهای دموکراتیک و شخصیت‌های مشرقی (که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را قبول داشتند باشند) و تحت یک برنامه‌ی مشرقی، نه تنها میتوان بطور موثر در جهت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی قدم برداشت بلکه مهمتر از آن دانست که به رژیم بجای آن خواهد نشست و در اینجسال، یکبار دیگر، تجربه‌ی تلخ قبل و بعد از ۲۲ بهمن تکرار نخواهد شد.

"شورای ملی مقاومت" و "میثاق" بنی صدر، در حالت کنونی‌اش و با شناختی که از او داریم، از نظر کمونیستها یک ناز ارزش ندارد، زیرا که به یک کلام جوایگوی منافع اساسی زحمتکشان جامعه نیست.

... دیکرنوشته های سیاسی [اشعار](#) [نوشته ها و ترجمه های پراکنده](#)